

بسم الله الرحمن الرحيم

زندان اسلامی و اسلام زندانی

در یک سال آخری که در زندان به سر می بردم برای نخستین بار در زندگی شاهد بودم که زندانی کردن حتی مجرمین شرور هم چه ظلم نابخشودنی در حق آن مجرم و خانواده اش و کل جامعه است زیرا این یک زندانی در مدت گذراندن دوره حبس خودش تبدیل به یک تبهکار و شرور حرفه ای و غیرقابل توبه می شود و همه انواع تبهکاری های دیگر را هم می آموزد و افراد خانواده اش نیز در تماس با زندان و مأمورین زندان و دادگاه ها به سوی تباهی می روند و در صف زندانیان نسل بعد قرار می گیرند.

این بود که ما به سابقه این کیفر در تاریخ و فقهات اسلامی پرداختیم و با کمال تعجب دیدیم که در کل فقهات رسمی اصلاً کیفر و جزائی به عنوان حبس وجود ندارد و از رسول اکرم و ائمه هدی نیز جزا در طرد و تقبیح حبس کلامی وجود ندارد الا یک حدیث از رسول اکرم که می فرماید اگر کسی مرتکب قتلی شد قاضی شرع حق دارد که بر معلوم کردن جرمش حداکثر هفت روز او را در حبس نگاه دارد و اگر این اتهام معلوم و اثبات نشد متهم را رها کنید و پرونده را ختم کنید. این کلام رسول خدا معنا و ماهیت حبس را به عنوان نوعی کیفر برای هر قاضی و مسلمان معلوم می کند.

حال بنگرید که همین جزای ناحقی که تحت عنوان قضاوت و کیفر اسلامی به اسم حبس به متهمین تحمیل می شود چه ظلم عظیمی به انسان و اسلام و چه معصیتی بر خدا و رسول است. همین یک پدیده در بدنام کردن دین خدا کافست که بگوئیم در این کشور و سائر جوامع و حکومت های اسلامی تا چه حدی عین مصداق دشمنی با خدا و خلق است تا آنجا که امروزه عامه مسلمین، اسلام و احکام شرع را باعث و بانی همه بدبختی ها می دانند و عاقبت به دین خدا پشت کرده و کافر می شوند. مسئول این کافرسازی مردم کیست جز علما و مراجع و رهبران دینی! آیا مسئول این همه ظلمی که بر زندانی و خانواده آنها تحمیل می شود و جامعه را از درون می پوساند و بر علیه دین خدا می شوراند کیست جز علما و مراجع و رهبران دینی!

این ظلم و بدنامی عظیم به نام حبس فقط یک نمونه کوچکی از هزاران ستم و معصیتی است که در حکومت های اسلامی در حق دین خدا و مردم روا داشته می شود و از احدی صدائی در نمی آید که لااقل به دفاع از خدا و رسول و امامانش برخیزد و نگذارد که بیش از این مردم خسرال دنیا و الآخرة شوند.

آیا اگر پسوند اسلامی را از حکومت و جمهوری برداریم حداقل خدمت را به دین مردم نکرده ایم خدمتی که هیچ هزینه ای هم ندارد. حال که نتوانستید احکام اسلامی را جاری سازید لااقل دست از سر اسلام بردارید دست از غارت دل و دین و

ایمان مردم بردارید. آیا این یک کار را هم نمی‌توانید کرد؟ چرا نامه این دادگاه‌هایی را که احکام غیر اسلامی صادر می‌کنند را دادگاه انقلاب اسلامی نامیده‌اید که انقلاب و اسلام را به نام کرده است.

طبق ده‌ها آیات الهی در کتابش در همه حال اکثریت مردم هر جامعه‌ای کافران و مشرکان هستند. آیا در چنین جوامعی می‌شود احکام دینی و ایمانی را جاری ساخت و موجب مکر و ریاکاری و نفاق مضاعف مردم نشد زیرا دین اکراهی اساس نفاق است و نفاق طبق قول الهی در کتابش اشد کفر است. زیرا کفر پنهان و مکارانه است. و این آن سرنوشت سیاهی است که جامعه ما دچارش شده است. بیائید و کشور را از درک اسفل السافلین یعنی نفاق برهانید فقط با حذف کردن پسوندهای دینی و اسلامی مثل: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی، علوم اسلامی، شورای اسلامی، ارشاد اسلامی، بانکداری اسلامی، زندان اسلامی، رباخواری اسلام، دزدی اسلامی، جنایت اسلامی و رشوه اسلامی و ظلم اسلامی و زنا، ریای اسلامی و شیطنیت اسلامی و شکنجه اسلامی!

در کشور ما واژه «اسلام»، زندان و غل و زنجیری است بر دست و پا و دل و جان و مال و عفت و عزت و آزادی و فطرت و اخلاق و وجدان الهی مردم! بیائید با کمترین هزینه‌ای مردم را از این زندان عظیم برهانید و خدا و رسول و امامان را هم از خود راضی کنید.

در آموزه‌های دینی در حوزه‌های علمیه ما در کتاب‌هایی همچون مکاسب و لمعه که دروس فقه هستند اصلی به نام «توریه» وجود دارد که یک فرمول ابلیسی در دور زدن احکام الهی است تا بتوان هر گناه و خطا و ظلمی را اسلامیزه و شرعی و حلال ساخت مثل دروغ مصلحتی، نزول خواری شرعی، زنا، شرعی و... . امروزه جامعه ما در یک کلام، مظهر تمام و کمال این فقه و اسلام مصلحتی است یعنی حاکمیت توریه‌ای! این یک همان اسلام ابلیسی است.

پس ای مسلمین این همه مفاسد و پلیدی و بدبختی را به خدا و رسول و دین نسبت ندهید بلکه به کسانی نسبت دهید که دین خدا را واژگونه ساخته‌اند. دین خدا را طرد و لعن نکنید این دجالان را طرد و لعن کنید! به خدا و وجدان خویش پشت نکنید به طاغوت پشت کنید.

طبق آمار رسمی کشور، تعداد زندانیان کشور ما به نسبت جمعیت حتی از آمار زندانیان دو کشور هند و چین هم بیشتر است که حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای دادند. آیا این بدان معناست که کشور ما و مردم مسلمان ما مجرم‌ترین ملت روی زمین هستند؟ چرا؟ این بدان معناست که در کشور ما اسلام و مذهب شیعه تبدیل به مجرم‌پرورترین نظام روی زمین شده است. گوئی این انقلاب و اسلام و مذهب خود یک زندان است.

طبق آمار دستگاه قضائی کشور حدود پانزده میلیون پرونده معطل قضائی وجود دارد که این هم بالاترین آمار در جهان است. یعنی مردم ما یا در زندان هستند و یا در نوبت ورود به زندان به‌سر می‌برند. پانزده میلیون پرونده بدین معناست که

در هر خانواده‌ای لااقل یک نفر متهم و مجرم است و زندانی! و همه زندان‌ها بسیار بیش از ظرفیت خود زندانی دارند. این یعنی چه؟ آیا انقلاب و اسلام و مذهب شیعه است که اینقدر استعداد مجرم پروری و زندان‌سازی دارد؟

بیایید با برداشتن این پسوندها و عناوین کذائی اسلامی و شرعی درب این زندان را بگشائید تا خدا و رسول و ائمه هدی به‌همراه مسلمین و شیعیان از این زندان خارج شوند. آیا اینکار را به هم نمی‌توانید کرد؟ هیچ بودجه‌ای هم نمی‌خواهد! فقط اندکی صداقت و تقوا و ترس از خدا می‌خواهد و ذره‌ای عقلانیت! بیایید و این نظام را از این زندان مخوف نجات دهید! بیایید ای مسئولین، خودتان را از این زندان خودخواسته برهانید تا مجبور نشوید خانواده خودتان را به اروپا و آمریکا بفرستید تا سر از زندانی که خودتان ساخته‌اید درنیاورند!

بیایید اسلام را از این زندان نجات دهید تا شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.

از ما که گذشت و ما همه عمرمان را در این چهل سال در حبس خانگی و راه زندان و دادگاه و اطلاعات به‌سر بردیم و از ابتدائی‌ترین حقوق حیاتی محروم بوده‌ایم و اگر رسماً در زندان می‌بودیم از آزادی و حقوق بیشتری برخوردار می‌بودیم و لااقل غذای خود را از سفره خانواده خود نمی‌خوردیم. ما چهل سال است که به هزینه خودمان زندانی بودیم و حتی به جرم رفت و آمد با همسایگان محاکمه و حبس کشیده‌ایم تحت عنوان تشکیل گروهک برای براندازی نظام. در این کشور چهل سال است که همه در خانه‌های خود زندانی هستند و همه مأمور تجسس و بازجوئی از یکدیگر! زندانی به اسم انقلاب، زندانی به اسم نظام، زندانی به نام اسلام، زندانی به نام ... هر زنده‌ای در این کشور زندانی است.

هرگز در طول تاریخ دین خدا اینسان مهجور و محبوس و محصور و بدنام نبوده است.

خدای واحد و رسول خاتم و ائمه هدی را شاهد می‌گیرم که همه عمرم را وقف دین خدا و اشاعه معرفت توحیدی و حقانیت ائمه هدی نموده‌ام و جز به این قصد سخن نکرده‌ام. و بدا به حال کسانی که اسلام و مذهب حقه امامیه را باعث و بانی این همه بدبختی و فساد و تباهی و فقر و فلاکت می‌دانند و بدین‌گونه مسئولین را تبرئه می‌کنند یعنی کسانی که دین خدا را واژگونه ساختند و نور رهائی را تبدیل به زندانی ظلمانی نمودند.

دشمنان جهانی دین و اسلام هم جز این آرزوئی ندارند که ملت ایرانی را تبدیل به قومی کافر سازند و آنگاه برای نجاتشان به این کشور لشکرکشی کنند آنگونه که در افغانستان و عراق و لیبی نمودند. ای مردم خود بپاخیزید و دین و وجدان و عقل و ایمان خود را از این زندان برهانید و در انتظار طاغوت نمانید تا شما را از اسارت دجال برهاند!

علی اکبر خاندانی

بهمن ۱۴۰۰